



گرافیک در معماری
فرانک چینگ
ترجمه‌ی مجتبی دولتخواه
انتشارات ملانک

نخستین هدف گرافیک در معماری ایجاد ارتباط با مخاطب است. اگر چه طراحی‌های مورد استفاده در معماری ممکن است از نوع دو بعدی باشد ولی اگر بتواند این ارتباط را ایجاد کند، شایسته استفاده در طراحی خواهد بود. نخستین هدف طراحی‌های مورد استفاده در معماری برقراری ارتباط است. اگر گرافیک و طراحی‌های معماری قابل درک نباشد و اگر قراردادهای و موضوعات آن فهمیده نشوند کاری ضعیف و ناکارآمد به وجود خواهد آمد. به بیان دیگر یک کار باید مقصود طراح نقشه را برساند. هیچ یک از اجزای کار نامجموع، نامنظم و جدا از کل نبوده و وحدت اجزا دیده شود و از طرفی از هر جزء از کار باید با پس درآمد و پیش درآمد خود مرتبط باشد و موجب استحکام و قوت دیگر اجزای کار شود. بنابراین اصل وحدت و پیوستگی دربرگیرنده‌ی یکدیگرند. هر عاملی که یکی از آنها را ایجاد کند، باعث موجودیتی دیگری نیز خواهد شد. و این هنگامی است که می‌توان ایده‌ی اصلی را به واسطه‌ی استقرار عناصر و به کمک گرافیک در کار گنجانند.

کتاب حاضر که تحت عنوان گرافیک در معماری و تحت عناوین وسایل و ابزار، طراحی در معماری، قراردادهای طراحی در معماری، تفسیر سایه روشن و زمینه، واژگان و نمادهای گرافیک، طراحی آزاد، در مورد معماری به چاپ رسیده است، هدف اساسی‌اش را آشنا کردن دانشجویان با بخشی از ابزار گرافیکی است که در جهت رساندن مفاهیم معماری مورد استفاده قرار می‌گیرند. نکته مهم در ابتدا آن است که جدا از فرمول‌های این کار، گرافیک بخشی جدانشدنی از فرآیند طراحی است. یعنی گرافیک ابزار عمده‌ای است که در اختیار طراح قرار می‌گیرد تا وی بتواند در حوزه‌ی کاری خود، با دیگران ارتباط ایجاد کند. اما برقراری این ارتباط از طریق گرافیک نیازمند فنون و قدرت ذهنی و معنوی و داشتن مهارت‌های فنی و تئوریک است. همان‌گونه که در پیشگفتار کتاب نیز اشاره می‌شود گرافیک، خود نتیجه‌ی روند طراحی است. طراحی، تجزیه و تحلیل هوشیارانه و دقیق این مطلب است که گرافیک چه زمانی و در کجا و چرا به کار گرفته شود تا به یک نتیجه‌ی درست دست یابد. تکنیک‌ها و قراردادهای مختلفی از گرافیک ارائه و منطق استفاده از آن بیان شده است. نظم کتاب تلاش دارد تا زمینه‌ی گرافیک معماری را در چارچوبی قابل درک شکل دهد. مطالب کتاب با تفسیرهای پیچیده ارائه نمی‌شود و سبک‌های بیان شده نیز هر یک در جایگاه ویژه‌ی خود قرار دارد و هیچ یک مورد تأکید قرار نگرفته است.

نویسنده در فصل سوم و تحت عنوان «قراردادهای طراحی در معماری» تلاش می‌کند اهداف، قابلیت‌ها و کاربردهای آن را در گرافیک مربوط به معماری مورد بحث قرار دهد. قراردادهای در اینجا از دیدگاه خطوط و طراحی با خطوط مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نویسنده در فصل بعدی تفسیر مقادیر و زمینه را مورد توجه قرار داده است. در این فصل تحت عنوان تفسیر سایه روشن و زمینه با ذکر این نکته که در فصل پیشین، از طراحی به وسیله‌ی خطوط تنها صحبت شد، می‌نویسد اگر چه طراحی بدون سایه و روشن می‌تواند کاملاً زیبا باشد ولی این تصاویر بدون روح هستند و دنیایی را به تصویر می‌کشند که خالی از نور است. به نظر نویسنده اگر چه همه‌ی انواع طراحی وسیله‌ای برای مصورسازی است اما تفاوت طراحی با خطوط ناب و طراحی با سایه روشن در درجه‌ی خلوص و خلاصه‌شدگی آنان است، چرا که در یک طراحی که از سایه روشن استفاده شده می‌توان اطلاعات بیشتری را به بیننده انتقال داد.

در فصل «واژگان و نمادهای گرافیک» نیز به بیننده کمک می‌شود که جهت خود را نسبت به عناصر گوناگون طراحی معماری دریابد و برای شناخت بیشتر طراحی‌های موجود در معماری بسیاری از وسایل، تبدیل به عناصر پراهمیتی می‌شوند که در این فصل به آن پرداخته می‌شود.